

هنگل

تقدیم به دانشجویانم در درس هگل: گذشته، حال و آینده
فردریک بیزر

به س. پ.

س. م. ح.

سرشناسه: بایزر، فردریک سی.، ۱۹۴۹-م.

Beiser, Frederick C

عنوان و نام پدیدآور: هگل / فردریک بیزر؛ ترجمه سیدمسعود حسینی

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۵۲۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۰۱۰-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Hegel, 2005.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۹۵-۴۹۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، ۱۷۷۰-۱۸۳۱ م.

موضوع: Hegel, Georg Wilhelm Friedrich

شناسه افزوده: حسینی توتمانلویی، سیدمسعود، ۱۳۶۶-، مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۸۱-۲۴/ب/۲۹۴۸ B۲۹۴۸

رده‌بندی دیویی: ۱۹۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۸۱۷۶۰۲

هگل

فردریک بیزر

ترجمهٔ سید مسعود حسینی



این کتاب ترجمه‌ای است از

Hegel

Frederick Beiser

Routledge, 2005



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۰۷، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

فردریک بیزر

هگل

ترجمه سید مسعود حسینی

چاپ اول

۱۶۵۰ نسخه

۱۳۹۱

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۷۸ - ۰۱۰ - ۲

ISBN: 978 - 600 - 278 - 010 - 2

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

؟؟؟؟ تومان

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۵	فهرست اختصارات
۲۱	سالشمار زندگی هگل
۲۵	مقدمه
۲۵	مناسبت خوانش هگل
۲۹	روش
۳۴	زندگی‌نامه مختصر
۵۰	یادداشت‌ها

بخش اول: زمینه و ایدئال‌های نخستین

۵۵	۱. زمینه فرهنگی
۵۵	افول نهضت روشنگری
۵۸	بی‌شالوده‌انگاری
۶۲	مناقشه وحدت وجود
۶۴	تولد نیهیلیسم
۶۷	ظهور تاریخ‌باوری
۷۰	مجادله نظر - عمل
۷۳	یادداشت‌ها

۷۵	۲. ایدئال‌های نخستین
۷۵	میراث رمانتیک
۷۹	خیر اعلیٰ
۸۲	ایدئال‌های اخلاقی
۸۶	ایدئال سیاسی
۸۸	ایدئال دینی
۹۵	چالش شقاق
۹۸	یادداشت‌ها

بخش دوم: مابعدالطبیعه

۱۰۳	۳. ایدئالیسم مطلق
۱۰۳	پرسش مابعدالطبیعه
۱۱۰	چه باشد آنچه خوانندش مطلق؟
۱۱۵	همانستی ذهن و عین
۱۲۱	معنای «ایدئالیسم»
۱۲۹	همنهاد ایدئالیسم و رئالیسم، ضرورت و اختیار
۱۳۷	اسطوره همه‌منطق‌روایی؟
۱۴۲	یادداشت‌ها
۱۴۷	۴. جهان‌بینی ارگانیک
۱۴۷	ساحت ارگانیک
۱۵۰	ظهور ارگان‌نیسم‌نگاری
۱۵۷	خاستگاه‌های باستانی و مسیحی
۱۶۱	میراث اسپینوزا
۱۶۸	میراث کانت و چالش کانتی

۱۷۷	پاسخ به کانت
۱۸۲	در دفاع از فلسفه طبیعت
۱۸۷	افسانه‌هایی در باب فلسفه طبیعت
۱۹۰	یادداشت‌ها
۱۹۳	۵. سپهر روح
۱۹۳	زندگانی و روح
۱۹۶	روح عشق
۲۰۱	مابعدالطبیعه عشق
۲۰۵	استحاله عشق
۲۱۱	یادداشت‌ها
۲۱۵	۶. بُعد دینی
۲۱۵	منازعه بی پایان
۲۱۸	نقدهای نخستین بر مسیحیت
۲۲۶	واگشت در فرانکفورت
۲۳۰	دینی نو
۲۳۶	نظرگاه بالیده
۲۴۱	مفهوم خدا
۲۴۷	نظریه همسانی
۲۵۴	یادداشت‌ها
بخش سوم: بنیان‌های معرفت‌شناسیک	
۲۶۱	۷. دیالکتیک
۲۶۱	بنیانی نقدی برای مابعدالطبیعه
۲۶۶	اسطوره‌ها و افسانه‌هایی در باب دیالکتیک

۲۷۲ ساختار دیالکتیک در منطق
۲۸۰ رسالت دیالکتیک در پدیدارشناسی
۲۸۵ یادداشت‌ها
۲۸۷ ۸. خودباوری و بین‌الذهانیت
۲۸۷ شیخ نیهلیسم
۲۹۳ زمينه بحث
۲۹۹ دیالکتیک میل
۳۰۳ خدایگان و بنده
۳۱۳ یادداشت‌ها

بخش چهارم: فلسفه اجتماعی و سیاسی

۳۱۷ ۹. آزادی و بنیان حق
۳۱۷ مابعدالطبیعه و سیاست
۳۲۰ مفهوم آزادی
۳۲۸ خائنی به آزادی؟
۳۳۲ بنیان قانون
۳۴۴ چالش ماکیاوولی
۳۵۰ ایدئالیسم یک اصلاحگر
۳۵۷ یادداشت‌ها
۳۶۱ ۱۰. نظریه دولت هگل
۳۶۱ طرح سیاسی هگل
۳۶۵ نقد لیبرالیسم و جماعت‌باوری
۳۷۴ زندگانی اخلاقی
۳۸۲ دولت ارگانیک

۳۸۶	جامعه مدنی
۳۹۸	ساختار و قوای دولت
۴۰۷	یادداشت‌ها

بخش پنجم: فلسفه فرهنگ

۴۱۳	۱۱. فلسفه تاریخ
۴۱۳	هگل و تاریخ باوری
۴۱۶	عقل در تاریخ
۴۲۰	مکر عقل
۴۲۵	مسئله شر
۴۳۲	معنای زندگی
۴۳۵	هگل در برابر اگزیستانسیالیست‌ها
۴۴۰	یادداشت‌ها
۴۴۱	۱۲. زیباشناسی
۴۴۱	ناسازه زیباشناسی هگل
۴۴۶	نظریه تابعیت
۴۵۳	هنر به مثابه شناخت
۴۶۳	مرگ هنر
۴۷۳	یادداشت‌ها
۴۷۷	مؤخره: طلوع و غروب مکتب هگل
۴۸۶	یادداشت‌ها
۴۸۷	منابعی برای مطالعه بیشتر
۴۸۷	مدخل‌های عمومی
۴۸۸	فرهنگ و زمینه

۴۸۸	سیر فکری
۴۸۹	پدیدارشناسی
۴۹۰	منطق
۴۹۱	فلسفه اجتماعی و سیاسی
۴۹۲	فلسفه دین
۴۹۲	فلسفه تاریخ
۴۹۲	زیباشناسی
۴۹۵	کتابنامه
۴۹۵	منابع اصلی
۴۹۷	منابع فرعی
۵۱۳	نمایه اشخاص
۵۱۵	نمایه موضوعی

پیشگفتار

هدف اصلی کتاب حاضر آن است که مقدمه‌ای جامع بر فلسفه هگل فراهم آورد و تا آنجا که مجال محدود آن اجازه می‌دهد، یکایک جنبه‌های عمده تفکر وی را پوشش دهد. امیدوارم کتاب مقبول طبع پژوهندگان فلسفه هگل واقع شود و برای آنان نیز سودمند باشد. با وجود این، در درجه اول آن را برای خواننده‌ای که نخستین بار با هگل آشنا می‌شود به تحریر درآورده‌ام. لذا، پاره‌ای از مسائل متداول هگل‌پژوهی، از جمله بررسی گذارهای جزئی دیالکتیک یا روابط متقابل اجزای مختلف نظام او را مد نظر قرار نداده‌ام. هرچند این موضوعات دارای اهمیتند، در کتابی که بناست صرفاً مدخلی باشد که هدف اصلی‌اش فراهم آوردن مجملی از نظام فلسفی هگل است، نباید به آن‌ها اولویت داد.

از آنجا که هدف اصلی‌ام صرفاً به دست دادن مدخلی [بر فلسفه اندیشمندی] است، بیش‌تر بر بررسی موضوعی^۱ تمرکز کرده‌ام تا بررسی متنی. خواسته من از دانشجو این است که درونمایه‌های اساسی فلسفه هگل را دریابد نه محتوای متون مشخص را. از این رو، به استثنای فصل هفتم، هیچ کجا خود را درگیر شرح و تفسیرهای پر طول و تفصیل نساخته‌ام. بی‌شمار

1. thematic

شرح و تفسیر سودمند در باب پدیدارشناسی [روح]^۱، منطق^۲ و فلسفه حق^۳ هگل موجود است که در کتابنامه پایانی خواننده را به آن‌ها ارجاع داده‌ام. اما دلیل عمده تاخت و تاز تفسیری‌ای که در فصل هفتم صورت پذیرفته، برای هر محقق و دانشجوی فلسفه هگل آشکار خواهد شد. فصل «خدایگان و بنده»^۴ از کتاب پدیدارشناسی، در سراسر طرح هگل موقعیتی قانونی دارد. با این حال، معنای آن تاکنون فراوان محل مناقشه بوده است. احتمالاً تمامی دانشجویان، دیر یا زود، ملزم به مطالعه این فصل مشهور خواهند شد. بنابراین، مطالعه دقیق آن ضروری است، حتی در کتابی که بناست چیزی بیش از مدخل نباشد. از همین رو، آن‌گاه که الکساندر کوژو،^۵ شرح و تفسیر معروف خویش از فصل «خدایگان و بنده» را مدخلی بر خوانش هگل^۶ نام نهاد، کاملاً برحق بود. کوشیده‌ام مطالب را به نحو جامع پوشش دهم. با این حال، محدودیت‌های مجالی که در این جا فراهم بوده است بررسی و جوه مهمی از فلسفه هگل را برای من ناممکن ساخت. در باب علم منطق^۷ هگل باید بیش از این سخن گفت، به‌ویژه به دلیل نقش بنیادی آن در نظام او. من انتقادهای رایج به منطق هگل را نمی‌پذیرم و عقیده دارم که باید آن را به جایگاه محوری‌اش در نظام وی بازگرداند؛ اما، برای این که حجم کتاب از حد معقول تجاوز نکند، مجبور بوده‌ام طرح خود را به رفع پاره‌ای از سوء تفاهم‌ها و شرح مختصر روش دیالکتیکی نظام هگل (صفحات ۲۷۲-۲۸۰) محدود سازم. از سوی دیگر، کم‌تر توانسته‌ام حق مطلب را در باب «فلسفه طبیعت»،^۸ که در سراسر فلسفه هگل، به‌ویژه در کوشش او برای توجیه مفهوم ارگانیک^۹ عالم نقش

1. *Phenomenology [of Spirit]*

2. *Logic*

3. *Philosophy of Right*

4. *Lordship and Bondage*

5. Alexander Kojève

6. *Introduction to the Reading of Hegel*

7. *Science of Logic*

8. *Naturphilosophie*

9. *organic*

تعیین‌کننده دارد ادا کنم. و سرانجام این‌که، معرفت‌شناسی^۱ هگل مسلماً سزاوار توجه بسیار بیش‌تری است؛ منتها بررسی تفصیلی این موضوع، مدخلی را که خود پیشاپیش مطول بود به نحو ناروایی طولانی‌تر می‌ساخت. به همین دلیل، یکی از فصول ابتدایی در خصوص واکنش هگل به نهضت نقد شالوده‌انگاری^۲ و جریان فرانقدی^۳ دهه ۱۷۹۰ را از کتاب حذف کردم. کتاب حاضر حاصل سه دهه تفکر در باره هگل و معاصران اوست. نخستین بار در آکسفورد و در دهه ۱۹۷۰، یعنی در طلیعه احیای فلسفه هگل در جهان انگلیسی‌زبان بود که به مطالعه این فلسفه همت گماشتم. مطالعه فلسفه هگل، در وهله نخست برآمده از علاقه‌ام به سرچشمه‌های فکری مارکسیسم بود، اما رفته‌رفته به فلسفه کلاسیک آلمان نرد عشق باختم. رساله دکتری‌ام را در باب خاستگاه‌های پدیدارشناسی هگل در دانشگاه آکسفورد تحت سرپرستی چارلز تیلور^۴ نوشتم که استادی نمونه است و بسیار به او مدیونم. زمانی که نخستین بار با طرح مشابه هنری هریس،^۵ که سرانجام در کتاب نردبان هگل^۶ ثمره‌ای چنان شگفت‌انگیز به بار آورد، آشنا شدم، برنامه خود را به نگارش شرحی مفصل بر پدیدارشناسی محدود ساختم. تمامی مطالب کتاب حاضر دست‌اولند و در اصل برای این مجموعه به نگارش درآمده‌اند. نسخه اولیه‌ای از فصل هفتم در رساله دکتری‌ام «روح پدیدارشناسی»^۷ (۱۹۸۰) آمده بود، اما سپس از اساس اصلاح شد. برخی از مطالب فصول اول و سوم در کتاب دیگرم، امر رمانتیک: مفهوم رمانتیسم اولیه آلمان^۸ نیز آمده بود. برخی از قسمت‌های فصول هشتم و نهم، و نیز مؤخره را

1. epistemology

2. Grundsatzkritik

3. meta-critical

4. Charles Taylor

5. Henry Harris

6. *Hegel's Ladder*

7. «The Spirit of the Phenomenology»

8. *The Romantic Imperative: The Concept of Early German Romanticism* (Cambridge, MA: Harvard University Press, 2003).

ابتدا به عنوان مقاله‌ای در باب فلسفه سیاسی هگل نوشتم و بنا بود در سال ۱۹۹۴ در تاریخچه کمبریج از تفکر سیاسی قرن نوزدهم^۱ درج شود، منتها این کتاب هنوز منتشر نشده است. قسمت اعظم مطالب کتاب حاضر محتوای درسگفتارهایی بود که در بهار سال ۲۰۰۲ در هاروارد در باب فلسفه هگل ایراد شده است.

تا کنون در شش دانشگاه - سیراکیوز، ایندیانا، هاروارد، ییل، پن و ویسکانسین - هگل درس داده‌ام و هنوز هم با چالش‌های تشویش‌زای تعلیم و تربیت دست به گریبانم. دانشجویانم، چه در مقطع کارشناسی و چه در مقاطع بالاتر، در تلاش برای فتح قلّه فلسفه هگل همواره و در همه حال برای من هم‌کابانی مشتاق، ساعی و بردبار بوده‌اند. ایشان به موجب اعتراض‌ها، پیشنهادها، تردیدها، و هم‌پرسه‌هایشان در طول این سالیان، مرا عمیقاً مدیون خود ساخته‌اند و به همین سبب کتاب به آنان تقدیم شده است.

و سرانجام می‌باید از رابرت استرن^۲ به سبب بازبینی دقیق و جزء‌به‌جزء کل دست‌نویس، تشکر و تقدیری ویژه به عمل آورم.

فردریک بیزر

سیراکیوز، نیویورک

۱۰ ژوئن ۲۰۰۳

1. *Cambridge History of Nineteenth-Century Political Thought*

2. Robert Stern

فهرست اختصارات

هاردنبورگ

- HKA** *Novalis Schriften, Kritische Ausgabe*, ed. Richard Samuel, Hans Joachim Mahl and Gerhard Schulz (Stuttgart: Kohl Hammer, 1960_88), 5 vols.

کانت

تمامی ارجاعاتی که به کانت داده شده بر اساس

Akademie edition, *Gesammelte Schriften*, ed. Preußischen Akademie der Wissenschaften (Berlin: de Gruyter, 1902 et seq.).

صورت گرفته، البته بجز مواردی که به نحو دیگری به آنها ارجاع داده شده است. شماره صفحات این ویراست در حاشیه غالب ترجمه‌های انگلیسی آمده است.

GMS *Foundations of the Metaphysics of Morals (Grundlegung zur Metaphysik der Sitten)*.

KpV *Critique of Practical Reason (Kritik der praktischen Vernunft)*.

KrV *Critique of Pure Reason (Kritik der reinen Vernunft)*.

ارجاعات به ویراست‌های اول و دوم، به ترتیب «A» و «B» است.

KU *Critique of Judgment (Kritik der Urteilskraft)*.

TP 'On the Common Saying: This May Be True in Theory but It Does Not Apply in Practice' (*'Ueber den Gemeinspruch: Das magin der Theorie richtig sein, taugt aber nicht für die Praxis'*).

مارکس - انگلس

MEGA *Marx-Engels Gesamtausgabe*, ed. Institut für Marxismus Leninismus (Berlin: Dietz, 1982).

شیلر

NA *Werke, Nationalausgabe*, ed. Benno von Wiese *et al.* (Weimar: Böhlau, 1943).

شلگل

KA *Kritische Friedrich Schlegel Ausgabe*, ed. E. Behler (Paderborn: Schöningh, 1958 *et seq.*).

شلایر ماخر

KGA *Kritische Gesamtausgabe*, ed. H. Birkner *et al.* (Berlin: de Gruyter, 1980 *et seq.*).

هگل

BF *Berner Fragmente*, in *Werke I*, pp. 9–104. The *Berne Fragments in Three Essays 1793–1795*, ed. and trans. Peter Fuss and John Dobbins (Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press, 1984), pp. 59–103.

ارجاع به صفحات بر اساس شماره گذاری نول (Nohl) در حاشیه است.

Briefe *Briefe von und an Hegel*, ed. Johannes Hoffmeister (Hamburg: Meiner, 1969), 5 vols.

- BS** *Hegel: The Letters*, trans. Clark Butler and Christiane Seiler (Bloomington: Indiana University Press, 1984).
- D** *Differenzschrift*, or *Differenz des Fichteschen und Schellingschen Systems der Philosophie*, in *Werke II*, pp. 9_140. *The Difference between Fichte's and Schelling's System of Philosophy*, trans. H.S. Harris and Walter Cerf (Albany: SUNY Press, 1977).
- EPW** *Erzyklopädie der philosophischen Wissenschaften in Werke* (1830), vols 8_10. Cited by paragraph number (§). Additions are indicated by an A, remarks by an R. *The Encyclopedia Logic, Part I of the Encyclopedia of Philosophical Sciences*, trans. T.F. Geraets, W.A. Suchting and H.S. Harris (Indianapolis: Hackett, 1991). *Hegel's Philosophy of Nature, Part Two of the Encyclopedia of Philosophical Sciences* (1830), trans. A.V. Miller (Oxford: Oxford University Press, 1970). *Hegel's Philosophy of Mind, Part Three of the Encyclopedia of Philosophical Sciences* (1830), trans. A.V. Miller (Oxford: Oxford University Press, 1971).
- ER** *Über die englische Reformbill*, in *Werkausgabe XI*, 83_130. 'The English Reform Bill', in *Hegel's Political Writings*, ed. Z.A. Pelczynski, trans. T.M. Knox (Oxford: Clarendon Press, 1964), pp. 295_330.
- GC** *Der Geist des Christentums und sein Schicksal*, in *Werke I*, 274_418. *The Spirit of Christianity and its Fate*, trans. T.M. Knox, in *Hegel's Early Theological Writings* (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 1948).
- ارجاع به صفحات بر اساس شماره گذاری نول است.
- GP** *Vorlesungen über die Geschichte der Philosophie*, in *Werke XVIII, XIX and XX. Lectures on the History of Philosophy*, trans. E.S. Haldane (Lincoln: University of Nebraska Press, 1995), 3 vols.
- GuW** *Glauben und Wissen oder Reflexionsphilosophie der Subjektivität in der Vollständigkeit ihrer Formen als Kantische, Jacobische und Fichtesche Philosophie*, in *Werke II*, 287_434. *Faith and Knowledge*, trans. Walter Cerf and H.S. Harris (Albany: SUNY Press, 1977).

- GW** *Gesammelte Werke*, ed. Rheinisch-Westfälischen Akademie der Wissenschaften (Hamburg: Meiner, 1989 *et seq.*).
- H** *Philosophie des Rechts. Die Vorlesung von 1819/20 in einer Nachschrift*, ed. Dieter Henrich (Frankfurt: Suhrkamp, 1983).
- ارجاعات بر اساس شماره کنار صفحه است.
- N** *Hegels theologische Jugendschriften*, ed. Herman Nohl (Tübingen: Mohr, 1907).
- P** *Die Positivität der christlichen Religion* (1795/1796), in *Werke* I, 190_229. *The Positivity of the Christian Religion*, in *Early Theological Writings* (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 1971), trans. T.M. Knox.
- ارجاع به صفحات بر اساس شماره گذاری نول است.
- PG** *Phänomenologie des Geistes*, ed. Johannes Hoffmeister (Hamburg: Meiner, 1952).
- Phenomenology of Spirit*, trans. A.V. Miller (Oxford: Oxford University Press, 1977).
- ارجاعات بر اساس شماره بند است که با علامت «¶» نشان داده شده است.
- PR** *Grundlinien der Philosophie des Rechts* (1821), in *Werke* VII.
- ارجاعات بر اساس شماره بند (§) است، افزوده‌ها با علامت A و نکات با علامت R آمده است.
- Elements of the Philosophy of Right*, ed. Allen Wood, trans. H.B. Nisbet (Cambridge: Cambridge University Press, 1992).
- ارجاعات بر اساس شماره بند (§) است.
- TE** 'Religion ist eine ...', in *Werke* I, 9_44. *The Tübingen Essay in Three Essays 1793_1795*, ed. and trans. Peter Fuss and John Dobbins (Notre Dame: University of Notre Dame Press, 1984), pp. 30_59.

ارجاع به صفحات بر اساس شماره‌گذاری نول است.

- VBG** *Vorlesungen über die Beweise vom Dasein Gottes*, ed. Georg Lasson (Hamburg: Meiner, 1966).
- VG** *Die Vernunft in der Geschichte*, ed. J. Hoffmeister (Hamburg: Meiner, 1955). *Lectures on the Philosophy of World History: Introduction*, trans. H.B. Nisbet (Cambridge: Cambridge University Press, 1975).
- VD** *Die Verfassung Deutschlands*, in *Werke I*. 'The German Constitution', in *Hegel's Political Writings*, trans. T.M. Knox (Oxford: Clarendon Press, 1964).
- VNS** *Vorlesungen über Naturrecht und Staatswissenschaft. Heidelberg 1817/18. Nachgeschrieben von P. Wannemann*, ed. C. Becker et al. (Hamburg: Meiner, 1983).

ارجاعات بر اساس شماره بند (§) است.

- VPR** *Vorlesungen über die Philosophi der Religion*, ed. Walter Jaeschke (Hamburg: Meiner, 1983). Volumes 3-5 of *Ausgewählte Nachschriften und Manuskripte*. Cited by volume and page number. *Lectures on the Philosophy of Religion*, ed. Peter C. Hodgson (Berkeley: University of California Press, 1984-5), 3 vols.
- VRP** *Vorlesungen über Rechtsphilosophie*, ed. K.-H. Ilting (stuttgart: Frommann, 1974), 3 vols. student lecture notes from Hegel's lectures 1818-19 (C.G. Homeyer), 1821 - 2, 1822 - 3 (K.G. von Griesheim), 1831 (D.F. Strauss).

ارجاعات بر اساس شماره جلد و صفحه است.

- VSP** *Verhaltnis des Skeptizismus zur Philosophie* in W II, pp. 213-72. 'Relation of Skepticism to Philosophy', in *Between Kant and Hegel*, ed. George di Giovanni and H.S. Harris (Albany: SUNY Press, 1985).
- VVL** *Verhandlungen in der Versammlung der Landstände des Königreichs Württemberg im Jahr 1815 und 1816*. W IV, pp.

- 462_597. *Proceedings of the Estates Assembly in the Kingdom of Württemberg*, in *Hegel's Political Writings*, ed. Z.A. Pelczynski, trans. T.M. Knox (Oxford: Clarendon Press, 1964), pp.246_94.
- W** *Werke in zwanzig Bänden. Werkausgabe*, ed. Eva Moldenhauer and Karl Michel (Frankfurt: Suhrkamp, 1970).
- WBN** *Wissenschaftliche Behandlungsarten des Naturrechts*, in *Werke* II, pp. 434 _ 532.
- WL** *Wissenschaft der Logik*, ed. Georg Lasson (Hamburg: Meiner, 1971).

سالشمار زندگی هگل

تولد هگل در اشتوتگارت در ۲۷ اوت. تولد هولدرلین در لوفن در ۲۰ مارس.	۱۷۷۰
تولد شلینگ در ۲۷ ژانویه در وورتمبرگ.	۱۷۷۵
آغاز تحصیل هگل در دبیرستان ^۱ اشتوتگارت.	۱۷۷۶
انتشار کتاب نقد عقل محض ^۲ اثر کانت.	۱۷۸۱
انتشار کتاب بنیانگذاری برای مابعدالطبیعه اخلاق ^۳ اثر کانت. هگل از این پس خاطراتش را در دفتر یادداشت‌های روزانه‌اش ثبت می‌کند.	۱۷۸۵
سپتامبر: هگل دبیرستان را ترک می‌کند. اکتبر: آغاز تحصیل در بنیاد توبینگن. ^۴ با شلینگ و هولدرلین هم‌اتاق می‌شود.	۱۷۸۸
۱۴ ژوئیه: تسخیر زندان باستیل در پاریس.	۱۷۸۹
هگل مدرک فوق‌لیسانس را اخذ می‌کند. انتشار نقد قوه حکم اثر کانت.	۱۸۹۰

1. Gymnasium

2. *Critique of Pure Reason*

3. *Groundwork for the Metaphysics of Morals*

4. Tübinger Stift

هگل در برن ^۱ به تدریس خصوصی روی می آورد. اعدام لویی شانزدهم با گیوتین. هگل رساله توبینگن ^۲ را به رشته تحریر درمی آورد.	۱۷۹۳
انتشار کتاب پی ریزی آموزه علم ^۳ اثر فیخته.	۱۷۹۴
آغاز تحریر کتاب نهادگی ^۴ دین مسیح ^۵ .	۱۷۹۵
هگل در این سال به فرانکفورت نقل مکان می کند تا به تدریس خصوصی برای یک تاجر شراب به نام گوگال بپردازد. آغاز گفتگوهای هگل با هولدرلین. نگارش پاره گفتارهایی در باب دین و عشق. ^۶	۱۷۹۷
نگارش کتاب روح مسیحیت و سرنوشت آن. ^۷	۱۷۹۹
نگارش پاره نظام ^۸ و ^۹ .	۱۸۰۰

1. Berne

2. *Tübingen Essay*

3. *Foundation of the Science of Knowledge*

۴. *Positivity*: نویسنده در پاسخ ایمیلی که در پرسش از معنای این اصطلاح برای وی فرستادم، نوشت: I am sorry I did not define this term more clearly and explicitly. Positivity has at least three meanings, though often intertwined: 1) the historical as opposed to the ideal or rational form of a religion; 2) something external to the self and based on authority, rather than something internal to the self and accepted for its own reason; and 3) that which is objectified or reified as a thing outside us when it is really the product of our own human activities (desires, wishes, etc). In sense 3) positivity is connected to the concept of alienation, which is another one of those big and difficult words I will not try to define here.

۵. *Positivity of the Christian Religion*: باقر پرهام این کتاب را با عنوان استقرار شریعت در مذهب مسیح ترجمه کرده است. - م.

6. *Fragments on Religion and Love*

7. *The Spirit of Christianity and its Fate*

8. *System Fragment*

۹. «هگل در سال ۱۸۰۰، که هنوز در فرانکفورت بود، یادداشت‌هایی نوشت که هرمان نول

←

نقل مکان به ینا در ژانویه. اخذ مدرک استادیاری. ^۱	۱۸۰۱
انتشار نوشتار فلسفی بنیادی تحت عنوان فرق میان نظام‌های فلسفی فیخته و شلینگ. ^۲	
همکاری هگل با شلینگ در مجله انتقادی فلسفه. ^۳ هگل مقالاتی تحت عناوین ایمان و دانش، ^۴ نسبت شک‌آوری با فلسفه ^۵ و در باب حق طبیعی ^۶ به رشته تحریر درمی‌آورد.	۱۸۰۲-۱۸۰۳
هگل در مقام مدرس رزرو ^۷ مشغول به کار می‌شود.	۱۸۰۵
تکمیل نگارش پدیدارشناسی روح. ناپلئون سپاهیان پروس را در نبرد ینا شکست می‌دهد.	۱۸۰۶
هگل به شهر بامبرگ ^۸ نقل مکان می‌کند و در آن‌جا سردبیر روزنامه‌ای محلی می‌شود.	۱۸۰۷
نقل مکان به شهر نورنبرگ و قبول ریاست یک دبیرستان.	۱۸۰۸
هگل با ماری فون توخر ^۹ ازدواج می‌کند.	۱۸۱۱
انتشار مجلد نخست علم منطق.	۱۸۱۲
انتشار مجلد دوم علم منطق.	۱۸۱۳
شکست ناپلئون در واترلو.	۱۸۱۵
انتشار مجلد سوم علم منطق. هگل به مقام استادی دانشگاه هایدلبرگ نائل می‌آید.	۱۸۱۶

(Hermann Nohl) به آن‌ها عنوان پاره‌نظام (System Fragment) داد. «فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ج ۷، از فیخته [فیخته] تا نیچه، ترجمه داریوش آشوری، (تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸)، ص ۱۶۸-م.

1. Privatdozent
2. *Difference between Fichte's and Schelling's System of Philosophy*
3. *Critical Journal of Philosophy*
4. *Faith and Knowledge*
5. *Relation of Skepticism to Philosophy*
6. *On Natural Law*
7. Extraordinary Professor
8. Bamberg
9. Marie von Tucher

انتشار ویراست نخست دایرةالمعارف علوم فلسفی. ^۱	۱۸۱۷
هگل به مقام استادی فلسفه در دانشگاه برلین منصوب می شود.	۱۸۱۸
صدور احکام کارلسبات، ^۲ که سانسور و نظارت را بر دانشگاه‌ها تحمیل می کرد.	۱۸۱۹
انتشار کتاب فلسفه حق.	۱۸۲۰
هگل نخستین بار درسگفتارهایی در خصوص فلسفه دین ^۳ ایراد می کند.	۱۸۲۱
مسافرت به راینلند، هلند، بلژیک و لوکزامبورگ.	۱۸۲۲
مسافرت به پراگ و وین.	۱۸۲۴
مسافرت به پاریس. در راه بازگشت با گوته ملاقات می کند.	۱۸۲۷
انتشار ویراست دوم دایرةالمعارف علوم فلسفی.	
هگل ریاست دانشگاه برلین را بر عهده می گیرد. انتشار ویراست سوم دایرةالمعارف علوم فلسفی.	۱۸۳۰
مرگ در برلین بر اثر بیماری وبا در تاریخ ۲۴ دسامبر.	۱۸۳۱

1. *Encyclopedia of Philosophical Sciences*

۲. *Karlsbad Decrees*: این احکام مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و قیدهای ارتجاعی بود که در بیستم سپتامبر ۱۸۱۹ در جریان کنفرانسی که در شهر معدنی کارلسبات، واقع در بوهیمیا، تشکیل شده بود، به تصویب مجلس فدرال آلمان رسید و در تمام ایالات کنفدراسیون آلمان آن زمان به اجرا درآمد. م.

3. *Philosophy of Religion*

مقدمه

مناسبت خوانش هگل

چرا هگل بخوانیم؟ این پرسشی بجاست و هیچ یک از پژوهندگان فلسفه هگل حق ندارند از زیر بار آن شانه خالی کنند. منتها مسئولیت اثبات ضرورت خواندن هگل بر دوش آنان سنگینی می‌کند. چه، متون هگل به معنای دقیق کلمه نه شوری در دل می‌افکنند و نه جذابند. سبک و خیم و ناگوار نگارش این متون در تاریخ فلسفه زبانزد است! زبان این کتاب‌ها مغلق، مبهم و نفوذناپذیر است. خواندن فلسفه هگل غالباً تجربه‌ای سخت و طاقت‌فرسا و چیزی نظیر معادل عقلانی جویدن سنگریزه است. دانشجوی نوعی محتملاً خواهد پرسید: «این کار شاق به چه درد می‌خورد؟» چنین دانشجویی برای اجتناب از این «کار شاق»، هر زمان که مطالعه کتابی ملال‌آور کاسه صبرش را لبریز سازد، به این پند اخلاقی، که منسوب به یکی از دشمنان دیرین هگل است، استناد خواهد کرد که «زندگی کوتاه است!»^(۱)

وقتی از خود می‌پرسیم که هگل امروز و در عصر پسامدرن ما برای ما چه در چنته دارد، پرسش مذکور هرچه بیش‌تر بر اذهان ما زورآور می‌شود. در مطلع قرن اخیر، فرانتس روزنتسوايگ،^۱ یکی از بزرگ‌ترین هگل‌پژوهان،

1. Franz Rosenzweig

تصریح کرد که در عصر پس از مرگ هگل به سر می‌برد.^(۲) اظهار نظر روزنتسوایک امروز همان قدر راست است که در آن زمان بود. چنین می‌نماید که عصر ما هگل را پشت سر نهاده است. ما حس مذهبی^۱ خویش، یا همان «ذائقه درک مطلق» را، که الهام‌بخش مابعدالطبیعه هگل بود، از دست داده‌ایم. پس از دو جنگ جهانی، اردوگاه‌های کار اجباری و هولوکاست، ایمانمان را به پیشرفت از دست داده‌ایم، هرچند این ایمان سنگ‌بنای فلسفه تاریخ هگل است. در عصری چنان تخصصی شده^۲ و بسگانه^۳ گیر افتاده‌ایم که هیچ کس در انتظار مشاهده استقرار مجدد کلیت،^۴ یعنی بازیافت اتحاد میان خودمان، دیگران و طبیعت، نیست؛ اما این‌ها همان ایدئال‌های عظیمی بودند که در پس فلسفه هگل جای داشتند. وقتی که تمامی این افکار را از نظر می‌گذرانیم، چنین می‌نماید که هیچ راهی مگر قبول حکم روزنتسوایک پیش رو نداریم. به نظر می‌رسد که هگل برای عصر ما، که به فراسوی او گام نهاده است، تحفه‌ای در بر ندارد. بنابراین، پرسش مذکور بیش از پیش وجهی آمرانه و ضروری به خود می‌گیرد: چرا هگل بخوانیم؟

بخشی از پاسخ این پرسش آن است که هگل با وجود این که مرده است باز هم عمیقاً در زندگی و افکار ما تأثیرگذار است و نفوذ دارد، و این نفوذ و تأثیر به قدری ژرف است که نام او در فرهنگ ما عمیقاً ریشه دوانده و با آن درآمیخته است. اگر برآنیم تا چگونگی فرهنگ خویش را درک کنیم و بشناسیم، باید خاستگاه‌ها و سرچشمه‌های آن را فهم کنیم، و این بدان معناست که در نهایت ناگزیریم با هگل از در آشتی درآییم. این نکته درخور توجه است که تمامی مکاتب فلسفی عمده در قرن بیستم - اگزیستانسیالیسم، مارکسیسم، پراگماتیسم، پدیدارشناسی و فلسفه تحلیلی - در واقع از دل واکنش علیه هگل و فلسفه او سر برون آورده و قد علم کرده‌اند. مفاهیم، احتجاج‌ها و مسائلی که

1. Feeling for religion

2. specialized

3. pluralistic

4. wholeness

مکاتب فلسفی مزبور با آن‌ها دست به‌گریبانند تا ابد برای ما بیگانه و اسرارآمیز باقی خواهند ماند مگر این‌که سرچشمه آن‌ها و آماج واکنش‌ها و حملاتشان بر ما معلوم شود. پس عجالتاً در این‌جا یک دلیل مقنع برای خواندن هگل در دست داریم، و آن فهم ریشه‌ها و سرچشمه‌های فرهنگ خودمان است. با این حال، جا دارد بپرسیم که بالاخره آیا هگل حقیقتاً مرده است؟ از برخی جهات، او اکنون بیش از هر زمان دیگر زنده است. از زمان احیای فلسفه هگل در دهه ۱۹۷۰، وی در تاریخ فلسفه به چهره‌ای تثبیت‌شده بدل گشته است. از آن زمان تاکنون، شمار رساله‌ها، کتاب‌ها و مقالاتی که در باب وجوه‌گوناگون فلسفه هگل نوشته می‌شود به شکلی تصاعدی روی به فزونی نهاده است. این نیز نکته بسیار مهمی است که ظاهراً ستاره بخت هگل به موازات افول تدریجی ستاره اقبال صریح‌ترین و پرسر و صداترین منتقدان او (از جمله پوپر و راسل) به نحو یکنواخت و آرام‌آرام در حال طلوع کردن است. دلایل احیای فلسفه هگل تا اندازه‌ای در بازشناسی به تأخیرافتاده اهمیت تاریخی وی ریشه دارد. بسیاری از کسانی که به مطالعه فلسفه هگل همت گماشتند، این کار را به منظور واگشایی ریشه‌های پنهان مارکسیسم، که در دهه ۱۹۶۰ به نحو گسترده‌ای شکوفا شده بود، انجام دادند. اما در آن زمان هم دلایل فلسفی‌تری برای احیای فلسفه هگل وجود داشت، چنان‌که امروز نیز وجود دارد. هگل در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، دست‌کم در میان انگلیسی‌زبانان، عامل اتحاد متفکرانی شد که در برابر فلسفه تحلیلی جبهه‌گیری کرده بودند. در آن زمان مطالعه فلسفه هگل از یک سو، اعتراضی به خشک‌اندیشی تنگ‌نظرانه‌ای بود که فلسفه تحلیلی از آن حمایت می‌کرد و از دیگر سو، به منزله پذیرفتن یا به اصطلاح در آغوش گرفتن «فلسفه قاره‌ای»^۱ بود. و شگفت آن‌که هگل برای پادفرهنگ^۲ فلسفی دهه‌های ۱۹۷۰

1. continental philosophy

2. counterculture

و ۱۹۸۰ همان قدر اهمیت داشت که برای جریان اصلی فرهنگی در اواخر قرن نوزدهم در انگلستان و آمریکا.

این روزها نزاع فرهنگی میان فلسفه تحلیلی و فلسفه قاره‌ای تا حد زیادی معنایش را از دست داده است. اما عجیب است که توجه و علاقه به فلسفه هگل در بالاترین حد است. اکنون برخی از فیلسوفان برجسته سنت فلسفه تحلیلی، آرای هگل را پذیرفته‌اند؛ این دسته از فلاسفه نه به دلایل تاریخی، بل به دلایل فلسفی است که به مطالعه فلسفه هگل همت می‌گمارند.^(۳) ایشان بر همان مسائلی دست می‌نهند که هگل را پیش‌تر به خود مشغول داشته بود؛ زیرا هگل هنوز هم می‌تواند مطالب بسیار جالب توجهی در خصوص این مسائل ابراز دارد. [از باب نمونه، این‌که] چگونه می‌توان در حوزه معرفت‌شناسی^۱ از قراردادانگاری^۲ و شالوده‌انگاری^۳ اجتناب کرد؟ چگونه می‌توان واقع‌گرایی را با معرفت‌شناسی اجتماعی جمع کرد؟ چگونه می‌توان هم‌نهادی میان آزادی‌های لیبرالیستی و ایدئال‌های جامعه برقرار ساخت؟ چگونه می‌توان بینش‌های تاریخی را پذیرفت و در عین حال به قعر مغاک نسبی‌گرایی سقوط نکرد؟ چگونه می‌توان در حوزه فلسفه ذهن از دوگانه‌انگاری^۴ و ماده‌باوری دوری جست؟ تمامی این‌ها سؤالاتی است که در عصر ما اهمیت فراوانی دارند؛ اما برای هگل نیز اهمیت بسزایی داشتند. تصادفی نیست که امروزه غالب فلاسفه هگل را پادزهر و جایگزین اصلی غالب مواضع مسئله‌آفرین و، در عین حال، منسوخ دوره‌های گذشته می‌دانند، مواضعی نظیر ذهنی‌انگاری^۵ دکارتی، واقع‌گرایی ساده‌لوحانه،^۶ لیبرالیسم افراطی و دوگانه‌انگاری ذهنی-فیزیکی، یا ماده‌باوری فروکاست‌گر.^۷ پس در این‌جا دلیل دیگری برای خواندن هگل به دست

1. epistemology

2. conventionalism

3. foundationalism

4. dualism

5. subjectivism

6. naive

7. reductivist

می‌آید: هگل، به‌رغم غم‌موض و ابهام بیزارکننده نوشته‌هایش، هنوز هم در مباحث فلسفی عصر کنونی، مصاحبی دلچسب و جذاب است.

روش

اما اگر به‌فرض مجاب شویم که هگل را بخوانیم، آن‌گاه این پرسش مطرح می‌شود که این کار را باید با چه روشی پی‌گرفت. دو رویکرد در این خصوص متصور است. رویکرد نخست پیشنهاد می‌کند که هگل را یکی از معاصران واقعی خویش در نظر بگیریم، چنان‌که گویی او در گفتگوها و مباحث کنونی ما شرکت دارد. در این صورت، می‌توانیم با تحلیل احتجاج‌ها و روشن ساختن ابهام‌های مضمون در ایده‌ها و تصورات وی، نشان دهیم که آن‌ها چگونه با دلمشغولی‌های کنونی ما مرتبط هستند. یا می‌توانیم او را همچون چهره‌ای تاریخی در نظر بگیریم که در مباحث و مناقشه‌های گذشته شرکت داشته است. در این صورت، او را بر زمینه تاریخی‌اش مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم و بسط و پرورش تعالیمش را دنبال می‌کنیم و می‌کوشیم او را بر زمینه فردیت^۱ و تمامیت^۲ تاریخی‌اش بازسازی کنیم. بسیاری از تفسیرهای تحلیلی اخیر از فلسفه هگل به رویکرد نخست گرایش دارند؛ رویکرد دوم، خصلت بسیاری از مطالعات هرمنوتیکی قدیم‌تر بوده است، به‌ویژه در آثار متفکرانی نظیر رودلف هایم،^۳ ویلهلم دیلتای^۴ و تئودور هرینگ.^۵

هر دو رویکرد واجد معایب و محاسن خاص خویش است. اگر رویکرد تحلیلی را برگزینیم، خطر خلط تاریخی یا [نابهنگامی] ما را تهدید خواهد کرد. [در چارچوب این رویکرد] به هگل جانی دوباره می‌بخشیم، آن‌چنان‌که گویی او در دلمشغولی‌های کنونی ما سهم است و لذا می‌تواند ما را در حل

1. individuality

2. integrity

3. Rudolf Haym

4. Wilhelm Dilthey

5. Theodor Haering

مسائل کنونی یاری دهد؛ اما اگر او چنین به نظر می‌رسد، صرفاً به این دلیل است که ما سخنان خود را در دهان او می‌گذاریم. در این صورت، تمامی آنچه از هگل می‌آموزیم صرفاً چیزی است که از او استنباط کرده‌ایم. به دلایلی متقن، این رویکرد را با تعبیر کنایه‌آمیز «تلقی نیابتی^۱ از تاریخ فلسفه» انگشت‌نما ساخته‌اند.^(۴) از دیگر سو، معضل کهنه‌پرستی^۲ گلوی رویکرد هرمنوتیکی را می‌فشارد. هرچند [در این حالت] بیش‌تر احتمال دارد که خود را با فلسفه یک موجود تاریخی واقعی مشغول بداریم، این امر برای ما چندان هم مناسب و جالب خاطر نیست، زیرا مسائل و ایده‌هایی که هگل مطرح می‌سازد به شدت با مقتضیات عصر وی پیوند دارند. لذا چنین می‌نماید که [اگر این رویکرد را اتخاذ کنیم،] یگانه چیزی که برای ما باقی می‌ماند تندیس یا صورتی تاریخی است که محل نگهداری آن جایی جز موزه‌ها نیست.

پس چگونه می‌توانیم هم از خلط تاریخی اجتناب ورزیم هم از کهنه‌پرستی؟ این دوراهی، همانا دوراهی همیشگی کل تاریخ فلسفه است. اما شاید بتوانیم راهبرد به‌گزینی^۳ را [به مثابه روش پژوهش خویش در این کتاب] اتخاذ کنیم. بر این اساس، می‌توانیم رویکرد تحلیلی را برگزینیم و در عین حال مواظب باشیم که بازسازی کنونیمان را با واقعیت تاریخی خلط نکنیم؛ یا این‌که [برعکس] می‌توانیم رویکرد هرمنوتیکی را برگزینیم و در عین حال آن دسته از وجوه هگل تاریخی را که با دلمشغولی‌های کنونی ما مناسبت دارد به‌گزین کنیم. اما هر کدام از این روش‌ها را که برگزینیم، باز خطر قربانی کردن ارزش‌های ذاتی هر یک از این رویکردها [به پای برقراری سازش میان آن‌ها] ما را تهدید خواهد کرد. زیرا، متأسفانه، میان هگل تاریخی واقعی و هگلی که

۱. ventriloquist: کسی که در نمایش خیمه‌شب‌بازی به جای عروسک‌ها سخن می‌گوید. به طور کلی ventriloquism عبارت است از شگرد سخن گفتن به نحوی که به نظر برسد صدایی که می‌شنویم از منبعی غیر از شخص سخنگو صادر می‌شود، چنان‌که در خیمه‌شب‌بازی می‌بینیم. -م.

2. antiquarianism

3. eclectic strategy